

تأثیر رقابت در بازار حسابرسی بر استقلال حسابرس و کیفیت صورت‌های مالی

شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

افسانه سروش یار^۱ / بهمن بنی مهد^۲ / حمیدرضا وکیلی فرد^۳ / هادی امیری^۴

چکیده

تشکیل جامعه حسابداران رسمی و خصوصی سازی در بازار حسابرسی به عنوان پدیده‌ای نوظهور توجه بسیاری از صاحب‌نظران را به خود معطوف داشته است. هدف این پژوهش شناسایی اثر رقابت در بازار حسابرسی بر استقلال حسابرس و کیفیت سود در یک دوره ۱۱ ساله از سال ۱۳۸۰ الی ۱۳۹۰ در ۱۱۱ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. روش پژوهش از نوع همبستگی است. آزمون فرضیه‌ها نیز بر اساس روش رگرسیون چند متغیره انجام شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که افزایش رقابت در بازار حسابرسی منجر به کاهش استقلال حسابرس می‌شود. همچنین شواهد پژوهش نشان می‌دهد به دنبال افزایش رقابت در بازار حسابرسی، کیفیت سود نیز کاهش یافته است.

واژگان کلیدی: رقابت، بازار حسابرسی، استقلال حسابرس، کیفیت سود

طبقه‌بندی موضوعی: M41, M42

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه علوم و تحقیقات تهران
۲. استادیار حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
۳. دانشیار حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
۴. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان

مقدمه

خصوصی سازی و رقابت در بازار حسابرسی کشور هم زمان با تشکیل جامعه حسابداران رسمی در سال ۱۳۸۰ آغاز شد. از دیدگاه نظری خصوصی سازی در اقتصاد موجب رقابت در فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. این موضوع بر کیفیت کالاها و خدمات ارائه شده توسط مشارکت کنندگان در رقابت تاثیرگذار بوده و موجب تغییر در قیمت کالاها و خدمات می‌شود. بدون تردید، یکی از اثرات خصوصی سازی حسابرسی را می‌توان ارتقاء کیفیت خدمات حسابرسی و در نتیجه کیفیت اطلاعات حسابداری بر شمرد. اما مفهومی که در حسابرسی بیشتر از مفاهیم اقتصادی بر کیفیت خدمات حسابرسی اثر گذار است، مفهوم استقلال است. نتایج پژوهش‌های گذشته نشان داده است که بعد از خصوصی سازی حسابرسی، تغییر حسابرس افزایش یافته و تغییر اظهار نظر از مشروط به مقبول افزایش یافته است. این موضوع را ناشی از کاهش استقلال حسابرس بعد از خصوصی سازی می‌داند (بنی مهد، ۱۳۹۰). در پژوهشی دیگر، در تأیید کاهش استقلال حسابرس بعد از خصوصی سازی حسابرسی، بنی مهد و همکاران (۱۳۹۱) نشان دادند صدور اظهار نظر مقبول رابطه‌ای مستقیم با حق الزحمه حسابرس دارد. سجادی و ابراهیمی مند (۱۳۸۸) حق الزحمه معوق، تغییر و تعیین حق الزحمه حسابرس توسط صاحبکار را از جمله عوامل کاهش استقلال حسابرس بعد از خصوصی سازی حسابرسی بر شمرده‌اند. در پژوهش دیگر نیکبخت و مهربانی (۱۳۸۵) نشان دادند انجام خدمات غیر حسابرسی توسط حسابرس یکی از متغیرهای تاثیرگذار بر کاهش استقلال حسابرس است. اسماعیل زاده مقری و ترامشلو (۱۳۹۱) در یک پژوهش زمینه‌یابی با استفاده از پرسشنامه نشان دادند که از دیدگاه حسابرسان فعال در بازار حسابرسی، رقابت در حق الزحمه حسابرسی تأثیر منفی بر کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی دارد.

از این رو، نتایج و شواهد پژوهش‌های گذشته نشان دهنده آن است که از دیدگاه نظری رقابت در بازار حسابرسی موجب کاهش استقلال حسابرس و در نتیجه کیفیت گزارشگری مالی شده است. پژوهش‌هایی که در بالا اشاره شد اثر هم زمان خصوصی سازی بر استقلال و کیفیت صورت‌های مالی را بررسی نموده‌اند. بنابراین پرسش اصلی این پژوهش آن است که خصوصی سازی چه تأثیری بر استقلال حسابرس و در به دنبال آن بر کیفیت سود گذاشته است؟ اهمیت تاثیر خصوصی سازی حسابرسی بر استقلال حسابرس و در نتیجه بر کیفیت اطلاعات حسابداری و همچنین فقدان پژوهش کافی، این انگیزه را در نویسندگان مقاله حاضر به وجود آورد تا اثر خصوصی سازی بر استقلال و کیفیت سود را مورد بررسی قرار دهند. نوآوری پژوهش حاضر در مقایسه با مطالعات گذشته، معرفی

شاخص جدیدی برای اندازه‌گیری استقلال حسابرس است. این در حالی است که تحقیقات گذشته استقلال را به صورت تجربی اندازه‌گیری ننموده و تنها دیدگاه و ذهنیت حسابرسان را درباره اثر رقابت بر استقلال نشان داده بودند. همچنین اثر توأمان استقلال و کیفیت صورت‌های مالی بررسی نشده است. بررسی این موضوع می‌تواند موجب تأیید و یا بازنگری در نتایج مطالعات گذشته در زمینه استقلال حسابرس شود و همچنین ایده‌های جدیدی برای انتخاب متغیرهای مربوط به استقلال حسابرس و تفسیر نتایج در پژوهش‌های آتی را فراهم آورد. هدف این مقاله آن است که نخست رابطه بین خصوصی‌سازی حسابرسی با استقلال حسابرس و در نتیجه کیفیت سود را بررسی نماید. هدف دوم این پژوهش نیز آن است تا استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری، جامعه حسابداران رسمی و سازمان بورس و اوراق بهادار را از رابطه مذکور آگاه نماید. انتظار می‌رود نتایج این پژوهش بتواند دستاورد و ارزش افزوده علمی به شرح زیر داشته باشد.

نتایج این پژوهش می‌تواند موجب گسترش مبانی نظری پژوهش‌های گذشته در ارتباط با کیفیت حسابرسی شود. علاوه بر این شواهد پژوهش نشان خواهد داد که تا چه اندازه خصوصی‌سازی حسابرسی می‌تواند بر استقلال و در نتیجه کیفیت کار حسابرس تأثیرگذار باشد. این موضوع به عنوان یک دستاورد علمی می‌تواند اطلاعات سودمندی را در اختیار قانون‌گذاران حوزه تدوین استانداردهای حسابرسی و بازار سرمایه و هم‌چنین استفاده‌کنندگان گزارش‌های حسابرسی قرار دهد. سوم این که نتایج پژوهش می‌تواند ایده‌های جدیدی برای انجام پژوهش‌های جدید در حوزه حسابرسی پیشنهاد نماید.

مروری بر ادبیات و پیشینه تحقیق

گرایش به خصوصی‌سازی برگرفته از این دیدگاه است که تحقق بخشیدن به هدف کارایی در انجام فعالیت‌های اقتصادی مستلزم اعتماد و اتکا بر نظام بازار است. نتیجه این اعتماد ایجاد رقابت بین بنگاه‌های دارای مالکیت خصوصی است که این خود منجر به افزایش دسترسی به کالاهای و خدمات با کیفیت و با قیمت‌های پایین و در نهایت افزایش رفاه اقتصادی جامعه خواهد شد. از دیدگاه اندیشمندان مکتب نئوکلاسیک، رقابت به عنوان یک موقعیت تعادلی و بر اساس تعداد بنگاه‌ها و شباهت آنها تعریف می‌شود و این موقعیت تعادلی پایانی بر تلاش بنگاه‌ها برای تفوق و تسلط بر بازار است. آنان معتقدند که بهترین مکانیسم هماهنگی و تخصیص منابع، نظام بازار و بازار رقابتی است (خداداد کاشی، ۱۳۸۸). علاوه بر دیدگاه مکتب نئوکلاسیک، نظریه‌های دیگری در خصوص رقابت

همچون نظریه شومپتیر و نظریه رقابت از دیدگاه هزینه تغییر دادن مشتری^۱ مطرح شده است، که برخی از آنها لزوماً موافق با دیدگاه مکتب نئوکلاسیک نیست و هر یک در جایگاهی خاص کاربرد دارد. به عنوان مثال نظریه رقابت از دیدگاه هزینه تغییر دادن مشتری، مناسب صنایع خدماتی است که ویژگی آنها ایجاد نوعی تعامل و رابطه بین مشتریان و عرضه کنندگان خدمات است. در این گونه صنایع، تغییر مشتری و برقراری تعامل با مشتریان جدید هزینه هایی را به عرضه کنندگان خدمات تحمیل می نماید (Klemperer, 1995). این نظریه به میزان زیادی منطبق با ماهیت بازار حسابرسی است که در آن روابط بلندمدت بین صاحبکار (متقاضی خدمات) و حسابرسان (عرضه کننده خدمات)، هزینه معاملات قابل ملاحظه و ایجاد دانش ویژه و تخصصی نسبت به صاحبکار پرهزینه و ضروری است (Sharpe, 1997). این نظریه بر سه فرض زیربنایی استوار است: (۱) افزایش تعداد تغییر مشتریان منجر به افزایش رقابت در بازار می شود (شارپ، ۱۹۹۷، ۲) کاهش هزینه های تغییر مشتری، باعث افزایش رقابت می گردد (Klemperer, 1995) و (۳) رقابت در بین عرضه کنندگان خدمات صرفاً مبتنی بر قیمت نیست، بلکه به کلیه ابعادی که برای مشتری دارای ارزش است، بستگی دارد (Gehrig, et al., 2005) و (Sharpe, 1997).

با ملاحظه و انطباق مفروضات فوق در بازار حسابرسی می توان دریافت که اولاً، تغییرات قانونی که موجب تسهیل تغییر حسابرس از سوی صاحبکار می شود، به افزایش رقابت در بازار حسابرسی منتهی خواهد شد. ثانیاً، انتظار می رود که حسابرسان نه تنها از طریق کاهش قیمت خدمات، بلکه از طریق انطباق بیشتر با خواسته های صاحبکار به فشارهای رقابتی واکنش نشان دهند. براساس این نظریه، با افزایش رقابت در بازار حسابرسی، احتمال بیشتری می رود که حسابرسان جهت حفظ صاحبکاران خود به درخواست آنان مبنی بر پذیرفتن رویه های حسابداری سؤال برانگیز تن دهند (Harris, et al., 2008).

از زاویه ای دیگر چنی و همکاران (Chaney et al, 2003) چنین استدلال می کنند که حسابرس از طریق مقایسه هزینه گزارش موارد تقلب صاحبکار با هزینه دعاوی حقوقی مربوط به عدم گزارش تقلب به رفتار خود شکل می دهد. در صورتی که هزینه بیان حقیقت کمتر از هزینه گزارش نکردن اشتباهات و تقلبات صاحبکار باشد، وی گزارش خود را با صداقت ارائه کرده و حسابرسی را با کیفیت بالا انجام خواهد داد. به اعتقاد آنان تغییر در سطح رقابت بر هزینه ای که حسابرس برای گزارش موارد تقلب صاحبکار می پردازد، اثرگذار است. هزینه ای که حسابرس از ابراز حقیقت متحمل می شود شامل

1.Theory of Customer Switching Cost Competition

از دست دادن سود جاری و سودهای مورد انتظار آتی حاصل از صاحبکار مربوطه و نیز سودهای حاصل از دیگر صاحبکارانی است که تمایلی به دریافت گزارش صادقانه از سوی حسابرس ندارند، می‌شود. به عبارت دیگر این هزینه‌ها به دو عامل وابسته‌اند: (۱) کل سودهای از دست رفته و (۲) احتمال تغییر حسابرس توسط صاحبکار در صورت افشای تقلب. افزایش رقابت از یک سو، سودهایی که می‌توان از صاحبکاران کسب نمود را کاهش داده و بدین ترتیب هزینه بیان حقیقت توسط حسابرس را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، احتمال تغییر صاحبکار افزایش یافته و این خود هزینه ابراز حقیقت را افزایش می‌دهد. از این رو اثر رقابت بر کیفیت حسابرسی و کیفیت صورت‌های مالی در هاله‌ای از ابهام قرار دارد (Kallapur, et al., 2008).

در ایران نیز خصوصی سازی حسابرسی در سال ۱۳۸۰ با هدف ارتقاء کیفیت خدمات حسابرسی به وقوع پیوست و زمینه ساز حضور تعداد زیادی از مؤسسات حسابرسی خصوصی شد؛ که این خود منجر به شکست انحصار سازمان حسابرسی و افزایش رقابت در بازار حسابرسی گردید. لیکن همچنان نگرانی در خصوص دستیابی به هدف پشتوانه اعمال خصوصی سازی در محافل علمی و حرفه‌ای وجود دارد. بر این اساس پژوهش حاضر بر آن است تا به بررسی تأثیر افزایش رقابت در بازار حسابرسی بر استقلال حسابرس و متعاقباً کیفیت سود به عنوان شاخصی از کیفیت صورت‌های مالی پردازد. برخی از تحقیقات انجام شده در خصوص رقابت در بازار حسابرسی به شرح زیر است.

نیوتن و همکاران (Newton, et al., 2013) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین رقابت حسابرسی و احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی پرداختند. نتایج حاکی از این است که با افزایش رقابت در بازار حسابرسی احتمال وقوع تجدید ارائه در صورت‌های مالی افزایش می‌یابد. نتیجه به دست آمده مؤید این است که برخی نگرانی‌ها در خصوص تمرکز بازار حسابرسی بی‌اساس است.

فرانسیس و همکاران (Francis, et al., 2013) با مطالعه ساختار بازار حسابرسی ۴۲ کشور درصدد پاسخ به این سؤال برآمدند که آیا تمرکز بازار حسابرسی منجر به کاهش کیفیت سود شرکتهای صاحبکار می‌گردد. نتایج حاصل شده نشان داد که تسلط مؤسسات حسابرسی بزرگ بر بازار منجر به کاهش کیفیت حسابرسی و کاهش کیفیت سود شرکت‌ها نمی‌شود.

نیومن و همکاران (Numan, et al., 2012) به بررسی این موضوع پرداختند که آیا اعمال فشار از سوی رقبای مؤسسات حسابرسی بر کیفیت حسابرسی تأثیرگذار است. آنان چنین استدلال کردند که مؤسسات حسابرسی از طریق کسب تخصص در یک صنعت خاص نسبت به سایر رقبای خود در بازار

حسابرسی از مزیت رقابتی برخوردار می شوند. یافته های تحقیق نشان داد که فشار رقابتی از سوی رقبای حسابرسی اثری منفی بر کیفیت حسابرسی دارد.

هریس و همکاران (Harris, et al., 2008) رابطه بین رقابت حسابرسی و استقلال حسابرس را مورد بررسی قرار دادند. آنان از نرخ سالانه گردش حسابرس به عنوان شاخصی برای رقابت حسابرسی و از کیفیت صورت های مالی به عنوان معیاری برای سنجش استقلال حسابرس استفاده کردند. آنان دریافتند که افزایش رقابت حسابرسی منجر به کاهش کیفیت صورت های مالی شده است. چنین به نظر می رسد که تصویب قانون ساربینز-آکسلی به میزان زیادی این رابطه را تقلیل داده است که این خود با انگیزه پشتوانه تصویب این قانون سازگار است.

کالاپور و همکاران (Kallapur, et al., 2008) به مطالعه رابطه بین رقابت و کیفیت حسابرسی پرداختند. در این تحقیق به منظور کنترل اثر همزمانی سقوط مؤسسه حسابرسی اندرسن^۱ که موجب کاهش رقابت در بازار حسابرسی شده است با تدوین مقررات ساربینز-آکسلی به عنوان ابزار تقویت کننده کیفیت حسابرسی از اثرات ثابت سال بهره گرفته شده است. نتایج حاصل شده نشان می دهد که رقابت بیشتر در بازار حسابرسی با کیفیت پایین تر حسابرسی همراه است. این نتایج پس از چندین تحلیل حساسیت همچنان صادق است.

جنسن و همکاران (Jensen, et al., 2003) اثرات معرفی رقابت قیمت در بازار خدمات حسابرسی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج مطالعه آنها نشان می دهد که رقابت در بازار حسابرسی موجب حق الزحمه حسابرسی پایین تر، ارائه خدمات حسابرسی به زیر قیمت به منظور جذب صاحبکاران جدید، حذف اجرت مربوط به تخصص حسابرس، کاهش کیفیت حسابرسی به دنبال کاهش دادن هزینه های حسابرسی، خروج مؤسسات حسابرسی بزرگ از بازار حسابرسی و افزایش گرایش صاحبکاران به مؤسسات حسابرسی جدید و کم تجربه و کاهش سطح تخصص در صنعت می شود.

دولتی بودن مؤسسات حسابرسی چین تا قبل از سال ۱۹۹۷ و خارج شدن آنها از پوشش دولت در این تاریخ، محرکی جهت انجام تحقیق پیرامون بررسی استقلال حسابرس به واسطه این تغییر بود. در این راستا یانگ و همکاران (Yang, et al., 2001) به بررسی این موضوع پرداختند که آیا پس از خصوصی سازی حسابرسی، استقلال حسابرس بهبود یافته است. آنان از تعداد و درصد اظهار نظرهای غیر استاندارد حسابرسی به عنوان شاخصی برای استقلال حسابرس بهره جستند. نتایج تحقیق از افزایش تدریجی تعداد و درصد اظهار نظرهای غیر استاندارد بعد از سال ۱۹۹۷ حکایت می کند. این نتایج به

1. Andersen

طور ضمنی بیانگر این است که خصوصی سازی مؤسسات حسابرسی آنان را با درجه بالاتری از ریسک بازار مواجه و آنان را به حفظ سطح بالاتری از استقلال برانگیخته است.

اسماعیل زاده مقری و همکاران (۱۳۹۱) با استفاده از توزیع پرسشنامه بین حسابداران رسمی فعال در مؤسسات حسابرسی، رابطه بین رقابت بر سر حق الزحمه حسابرسی با کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی را مورد مطالعه قرار دادند. آنان دریافتند که رقابت بر سر حق الزحمه حسابرسی تأثیر منفی بر کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی دارد.

انصاری و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی این موضوع پرداختند که آیا اندازه مؤسسه حسابرسی و اندازه شرکت صاحبکار در شرایط ارائه همزمان خدمات حسابرسی و غیرحسابرسی می‌تواند بر استقلال حسابرس تأثیر گذارد. همچنین رابطه بین میزان حق الزحمه غیرحسابرسی و استقلال و اثر رعایت فاصله زمانی مناسب بین خدمات حسابرسی و غیرحسابرسی بر استقلال از دیدگاه دانشجویان و تحلیل گران بورس اوراق بهادار بررسی شده است. نتایج به دست آمده از آزمون فرضیات حاکی از آن است که وجود فاصله زمانی مناسب بین خدمات حسابرسی و غیرحسابرسی موجب حفظ استقلال می‌شود، میزان حق الزحمه غیرحسابرسی با وجود افشا در گزارش های صاحبکار بر استقلال تأثیر دارد و در نهایت اینکه در شرکت صاحبکار چه بزرگ و چه کوچک، ارائه توأم خدمات حسابرسی و غیرحسابرسی بر استقلال حسابرس تأثیر گذار است.

حساس یگانه و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی رابطه بین اقلام تعهدی اختیاری و نوع گزارش حسابرسی را مورد مطالعه قرار دادند. همچنین آنها با در نظر گرفتن سازمان حسابرسی (به عنوان مؤسسه بزرگ در ایران)، به بررسی اثر بزرگی مؤسسه حسابرسی در توانایی کشف و گزارش مدیریت سود پرداختند. نتایج حاصله نشان می‌دهد که بین اقلام تعهدی اختیاری و صدور گزارش مشروط توسط حسابرس رابطه معناداری وجود دارد، لیکن اقلام تعهدی اختیاری در صورتهای مالی شرکت های حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی (به عنوان یک مؤسسه بزرگ)، تفاوت معناداری با اقلام تعهدی اختیاری در صورت های مالی حسابرسی شده به وسیله مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران (به عنوان مؤسسات غیر بزرگ) ندارد.

سجادی و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیق دیگری به بررسی عوامل کاهنده استقلال حسابرس مستقل از دیدگاه حسابرسان عضو جامعه حسابداران رسمی ایران پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که از نظر حسابرسان عضو جامعه حسابداران رسمی ایران، ارائه خدمات غیر حسابرسی، حق الزحمه معوق حسابرسی، تأثیر گذاری مدیریت بر انتخاب یا تعویض حسابرس و تعیین حق الزحمه حسابرسی، پذیرش

هدایای صاحبکار، تداوم انتخاب حسابرس برای مدت طولانی و وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار عوامل کاهنده استقلال حسابرس هستند.

سجادی و همکاران (۱۳۸۴) عوامل افزایش استقلال حسابرس مستقل از دیدگاه حسابسان عضو جامعه حسابداران رسمی ایران را بررسی نمودند. در این تحقیق برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه و به منظور آزمون فرضیه های تحقیق از روش های ناپارامتریک استفاده شده است. نتایج تحقیق بیانگر این است که از نظر حسابسان مزبور، کمیته حسابرسی صاحبکار، اندازه و سابقه مؤسسه حسابرسی و اندازه شرکت صاحبکار به عنوان عوامل افزایش استقلال و رقابت در حرفه حسابرسی به عنوان عامل کاهنده استقلال حسابرسی هستند.

فرضیه های تحقیق

فرضیه ۱ - افزایش رقابت در بازار حسابرسی باعث کاهش کیفیت صورت های مالی می شود.

فرضیه ۲ - افزایش رقابت در بازار حسابرسی باعث کاهش استقلال حسابرس می شود.

جامعه آماری و نمونه

جامعه آماری تحقیق شامل شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در قلمرو زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ است. شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار که دارای شرایط زیر باشند به عنوان نمونه انتخاب شده اند:

- ۱) قبل از سال ۱۳۸۰ در بورس پذیرفته شده باشد.
- ۲) سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند باشد.
- ۳) در قلمرو زمانی تحقیق تغییر سال مالی نداشته باشد.
- ۴) جزء شرکت های سرمایه گذاری و واسطه گری مالی نباشد.
- ۵) اطلاعات مورد نیاز شرکت در دوره مورد بررسی در دسترس باشد.

بر این اساس ۱۱۱ شرکت به عنوان نمونه انتخاب شد.

روش تحقیق

به منظور آزمون فرضیه های تحقیق دو مدل رگرسیون چند متغیره به کمک داده های ترکیبی برآورد می گردد. در روش داده های ترکیبی برای انتخاب بین روش های داده های یکپارچه^۱ و پانل^۲ از

1. Pooling
2. Panel

آزمون F لیمر استفاده می‌شود. در صورت انتخاب روش پانل، جهت انتخاب از بین روش‌های اثرات ثابت^۱ و اثرات تصادفی^۲ آزمون هاسمن انجام می‌گیرد. تحلیل‌های آماری از طریق نرم افزار Stata و SPSS انجام می‌شود.

به منظور آزمون فرضیه اول تحقیق رگرسیون (۱) برآورد می‌گردد.

$$EQ_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 Competitio n_{i,t} + \alpha_2 Tenure_{i,t} + \alpha_3 AO_{i,t} + \alpha_4 Size_{i,t} + \alpha_5 CFO_{i,t} + \alpha_6 LEV_{i,t} + \alpha_7 growth_{i,t} + \alpha_8 BMT_{i,t} + \alpha_9 ROA_{i,t} + \alpha_{10} Loss_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

رابطه (۱)

$EQ_{i,t}$: کیفیت سود

$Competition$: شاخص رقابت در بازار حسابرسی که از طریق درصد تغییر حسابرس در هر سال محاسبه می‌شود (Harris, et al., 2008).

$Tenure_{i,t}$: دوره تصدی حسابرس

AO_{it} : متغیری موهومی است به گونه‌ای که اگر حسابرس شرکت i در سال t سازمان حسابرسی باشد مقدار آن برابر با ۱ و در غیر این صورت برابر با صفر خواهد بود.

$Size_{it}$: لگاریتم ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت i در سال t

$CFO_{i,t}$: جریان‌های نقدی عملیاتی شرکت i در سال t تعدیل شده بر حسب ارزش دفتری دارایی‌ها در ابتدای سال

$LEV_{i,t}$: شاخص اهرم شرکت i در سال t که از تقسیم حاصل جمع بدهی‌های بهره دار بلندمدت و بدهی‌های بهره دار کوتاه مدت بر ارزش دفتری دارایی‌ها در ابتدای سال به دست می‌آید.

$growth_{i,t}$: رشد فروش شرکت i در سال t تعدیل شده بر حسب ارزش دفتری دارایی‌ها در ابتدای سال

$BTM_{i,t}$: نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار کل دارایی‌های شرکت i در سال t . ارزش بازار شرکت از حاصل جمع ارزش دفتری بدهی‌ها و ارزش بازار حقوق صاحبان سهام محاسبه می‌شود.

ROA_{it} : بازده دارایی‌های شرکت i در سال t که از تقسیم سود خالص بر ارزش دفتری دارایی‌ها محاسبه می‌شود.

1. Fixed Effect

2. Random Effect

$LOSS_{i,t}$: متغیری موهومی که اگر شرکت i در سال t زیانده باشد برابر ۱ و در غیر این صورت برابر صفر خواهد بود (Kallapur, et al., 2008).

به منظور محاسبه متغیر کیفیت سود ($EQ_{i,t}$) در رابطه فوق از مدل فرانسیس و همکاران (Francis, et al., 2005) استفاده شده است؛ بدین گونه که رگرسیون زیر به صورت مقطعی برای هر سال برآورد شده و اجزای باقیمانده آن به عنوان شاخص کیفیت سود در نظر گرفته می شود. لازم به ذکر است که به منظور تحلیل حساسیت یک بار اجزای اخلال و بار دیگر قدرمطلق اجزای اخلال جهت برآورد مدل (۱) مورد استفاده قرار می گیرد. لیکن از آنجا که بالا بودن اجزای اخلال (قدرمطلق اجزای اخلال) نشان دهنده کیفیت پایین صورت‌های مالی است، در (-۱) ضرب می شود تا شاخص کیفیت صورتهای مالی حاصل شود.

$$\Delta WC_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 CFO_{i,t-1} + \alpha_2 CFO_{it} + \alpha_3 CFO_{i,t+1} + \alpha_4 \Delta REV_{it} + \alpha_5 PPE_{it} + \varepsilon_{it}$$

رابطه (۲)

ΔWC_{it} : تغییر در سرمایه در گردش غیر نقدی شرکت i در سال t تعدیل شده بر حسب ارزش دفتری کل دارایی‌های ابتدای دوره

CFO_i : جریان های نقدی عملیاتی شرکت i در سال t تعدیل شده بر حسب ارزش دفتری کل دارایی‌های ابتدای دوره

ΔREV_{it} : تغییر در کل فروش شرکت i در سال t تعدیل شده بر حسب ارزش دفتری کل دارایی‌های ابتدای دوره

PPE_{it} : اموال، ماشین آلات و تجهیزات شرکت i در سال t تعدیل شده بر حسب ارزش دفتری کل داراییهای ابتدای دوره

به منظور آزمون فرضیه دوم مدل (۳) برآورد می گردد.

رابطه (۳)

$$IND_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 Competition_t + \alpha_2 Tenure_{i,t} + \alpha_3 AO_{i,t} + \alpha_4 Size_{i,t} + \alpha_5 LEV_{i,t} + \alpha_6 ROA_{i,t} + \alpha_7 Loss_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

$IND_{i,t}$: استقلال حسابرس که به صورت زیر محاسبه می گردد:

استقلال حسابرس متغیری دو وجهی است که با استفاده از معیار نفوذ صاحبکار محاسبه می گردد. منظور از نفوذ صاحبکار سهمی است که صاحبکار در کل درآمد حسابرس خود دارد. بنابراین هرچه

حق‌الزحمه پرداختی توسط صاحبکار نسبت به کل حق‌الزحمه‌های دریافتی حسابرس بیشتر باشد، می‌توان گفت صاحبکار نفوذ بیشتری بر حسابرس دارد. از آنجا که حق‌الزحمه حسابرسی برای کلیه شرکت‌ها در دسترس نیست و از سوی دیگر حق‌الزحمه حسابرسی با جمع دارایی‌های صاحبکار همبستگی بالایی دارد، برای محاسبه معیار نفوذ صاحبکار به جای حق‌الزحمه حسابرسی از جمع دارایی‌های صاحبکار استفاده می‌شود. معیار نفوذ برای هر صاحبکار- حسابرس محاسبه شده و از تقسیم جمع دارایی‌های شرکت بر جمع دارایی‌های تمامی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران که توسط این حسابرس رسیدگی می‌شوند حاصل می‌گردد. سپس ارقام مربوط به معیار نفوذ صاحبکار به ۴ دسته طبقه بندی شده و به ۳ چارک پایین عدد ۱ و به بالاترین چارک عدد صفر اختصاص داده شد. به عبارت دیگر عدد ۱ نشانگر استقلال بالای حسابرس است (Chambers, et al., 2011).

یافته های پژوهش

نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول (۱) ارائه شده است. میانگین درصد تغییر حسابرس به عنوان شاخص رقابت ۰/۱۸۴ است و از سوی دیگر به طور متوسط ۰/۳۴۳ از شرکتها توسط سازمان حسابرسی مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. این نتایج از افزایش رقابت در صنعت حسابرسی و کاهش انحصار سازمان حسابرسی پس از وقوع پدیده خصوصی سازی در سال ۱۳۸۰ حکایت می‌کند. افزون بر این در جدول (۲) تعداد شرکتهای عضو نمونه که توسط سازمان حسابرسی مورد حسابرسی قرار گرفته اند در طی سال های ۱۳۹۰-۱۳۸۰ ارائه شده است. چنانچه ملاحظه می‌شود به تدریج تعداد صاحبکاران سازمان روندی کاهشی به خود گرفته است و به تبع آن سهم موسسات حسابرسی خصوصی افزایش یافته است که این خود تأییدی بر یافته های حاصل از آمار توصیفی در جدول (۱) می‌باشد.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

انحراف معیار	میان	میانگین	
۲/۱۰۹	۰/۰۰۵	-۰/۲۲۶	EQ (اجزای باقیمانده)
۲/۰۲۸	۰/۱۵۲	۰/۶۲۱	EQ (قدرمطلق اجزای باقیمانده)
۰/۰۵۸	۰/۱۷۸	۰/۱۸۴	<i>Competition</i>
۲/۶۰۱	۳	۳/۶۵۱	<i>Tenure</i>
۰/۴۷۵	۰	۰/۳۴۳	<i>AO</i>
۱/۳۰۵	۱۲/۷۶۴	۱۲/۹۲۹	<i>Size</i>
۰/۵۰۸	۰/۱۶۲	۰/۲۴	<i>CFO</i>
۰/۱۶۴	۰/۲۲۶	۰/۲۴۶	<i>LEV</i>
۰/۴۵۷	۰/۱۰۷	۰/۱۳۶	<i>growth</i>
۰/۹۵۲	۰/۷۸۰	۰/۷۸۴	<i>BTM</i>
۰/۱۲۵	۰/۱۰۵	۰/۱۳۲	<i>ROA</i>
۰/۲۳۴	۰	۰/۰۵۸	<i>Loss</i>

پیش از تخمین مدل‌های پژوهش ابتدا آزمون‌های لازم توسط نرم افزار استتا جهت اطمینان از برقراری فروض کلاسیک رگرسیون انجام شده است. نتایج آزمون‌های انجام شده جهت تشخیص هم‌خطی (آزمون VIF) از عدم وجود این خطا خبر می‌دهد. نتایج آزمون جارکوبرا^۱ بیانگر برقراری فرض نرمال بودن است. لیکن یافته‌های حاصل از آزمون LR^۲ بیانگر وجود خطای ناهمسانی واریانس است. از این رو، روش GLS^۳ جهت تخمین مدل مورد استفاده قرار گرفته است.

به منظور آزمون فرضیه اول تحقیق مبنی بر این که "افزایش رقابت در بازار حساسی باعث کاهش کیفیت صورت‌های مالی می‌شود"، مدل (۱) برآورد شده و نتایج حاصل شده در جدول (۳) منعکس شده است.

همانطور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود رابطه بین رقابت با هر دو شاخص کیفیت سود منفی و معنی‌دار است. ضریب متغیر رقابت در دو مدل به ترتیب $-۰/۷۴۹$ و $-۱/۶۹۶$ و آماره Z آنها به ترتیب

1. Jarque-Bera

2. Likelihood-Ratio Test

3. Generalized Least Square

۱/۹۷- و ۴/۰۸- می باشد. آماره والد نیز حاکی از معنی‌داری کلی مدل می باشد. این نتیجه منطبق با انتظارات تئوریک است و چنین تفسیر می شود که با افزایش رقابت در بازار حسابرسی، مؤسسات حسابرسی استقلال خود را مورد مصالحه قرار داده و از تخلفات و اشتباهات صورت‌های مالی صاحبکار چشم پوشی می کنند. نتیجه این شیوه برخورد کاهش کیفیت سود شرکت‌های صاحبکار می‌باشد. بدین ترتیب می‌توان گفت فرضیه اول تحقیق تأیید می‌گردد. لازم به ذکر است که ضریب متغیر دوره تصدی حسابرسان (*Tenure*) در دو مدل به ترتیب ۰/۱۹- و ۰/۳۶- و معنی‌دار است؛ بدین معنا که با افزایش دوره تصدی حسابرسان کیفیت صورت‌های مالی کاهش می‌یابد که این نتیجه را می‌توان به کاهش استقلال حسابرسان همگام با طولانی شدن دوره تصدی وی نسبت داد. AO نیز متغیری موهومی است که نشان دهنده حسابرسی توسط سازمان حسابرسی است. ضریب این متغیر در دو مدل ۰/۰۹۱ و ۰/۱۶۷ و معنی‌دار است. به عبارت دیگر شرکت‌هایی که توسط سازمان حسابرسی مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند از کیفیت سود بالاتری برخوردارند. این نتیجه تأیید دیگری بر فرضیه اول تحقیق است. ضریب ROA نیز ۰/۶۳۱- و ۰/۸۰۴- و معنی‌دار است. سایر متغیرهای کنترلی در مدل (۱) رابطه معنی‌داری با کیفیت سود ندارند.

جدول (۳): نتایج تخمین مدل (۱)

$$EQ_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 Competition_t + \alpha_2 Tenure_{i,t} + \alpha_3 OA_{i,t} + \alpha_4 Size_{i,t} + \alpha_5 CFO_{i,t} + \alpha_6 LEV_{i,t} + \alpha_7 growth_{i,t} + \alpha_8 BMT_{i,t} + \alpha_9 ROA_{i,t} + \alpha_{10} Loss_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

متغیرها	اجزای باقیمانده (آماره z)	قدر مطلق اجزای باقیمانده (آماره z)
<i>Competition</i>	-۰/۷۴۹° (-۱/۹۷)	-۱/۶۹۶° (-۴/۰۸)
<i>Tenure</i>	-۰/۰۱۹° (-۲/۱۷)	-۰/۰۳۶° (-۳/۷۱)
<i>AO</i>	۰/۰۹۱° (۲/۰۶)	۰/۱۶۷° (۳/۴۴)
<i>Size</i>	-۰/۰۲۲ (-۱/۲۱)	-۰/۰۴° (-۲/۳۴)
<i>CFO</i>	-۰/۰۰۳ (-۰/۰۷)	۰/۰۴۸ (۱/۲۷)
<i>LEV</i>	-۰/۱۹۵ (-۱/۳۱)	-۰/۱۵۴ (-۱/۰۲)
<i>growth</i>	-۰/۰۹ (-۰/۰۱)	-۰/۰۸ (-۱/۰۷)
<i>BTM</i>	-۰/۰۱ (-۰/۲۷)	-۰/۰۱ (-۰/۲۹)
<i>ROA</i>	-۰/۶۳۱° (-۲/۲۲)	-۰/۸۰۴° (-۲/۹۳)
<i>Loss</i>	۰/۰۸۱ (۰/۹۷)	-۰/۰۵۲ (-۰/۶۰)
آماره Wald chi2 (p-value)	۲۰/۹۶ (۰/۰۲۱)	۴۳/۸۷ (۰/۰۰۰)

جدول ۴- نتایج تخمین مدل (۳)

$IND_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 Competition_i + \alpha_2 Tenure_{i,t} + \alpha_3 AO_{i,t} + \alpha_4 Size_{i,t} + \alpha_5 LEV_{i,t} + \alpha_6 ROA_{i,t} + \alpha_7 Loss_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$				
متغیر	ضرایب	آماره Wald	p-value	آماره Chi2 (p-value)
<i>Competition</i>	-۹/۸۵۷	۳۰/۰۶۲	۰/۰۰۰	۳۰۸/۵۹۱ (۰/۰۰۰)
<i>Tenure</i>	۰/۲۰۷	۲۴/۸۳۵	۰/۰۰۰	
<i>AO</i>	۵/۹۴۸	۳۳/۸۱۸	۰/۰۰۰	
<i>Size</i>	-۰/۴۶۱	۳۴/۴۹۱	۰/۰۰۰	
<i>LEV</i>	۰/۶۰۶	۰/۹۶۲	۰/۳۲۷	
<i>ROA</i>	۰/۱۹۹	۰/۰۵۷	۰/۸۱۲	
<i>Loss</i>	۱/۰۰۲	۵/۰۸۲	۰/۰۲۴	
ضریب تعیین کاکس اسنل ^۱		۰/۲۴۳		
درصد پیش‌بینی مدل ^۲		۸۲/۱		

چنانچه در جدول (۴) ملاحظه می‌شود، ضریب متغیر رقابت منفی و معنی‌دار است. ضریب این متغیر و آماره والد^۳ آن به ترتیب -۹/۸۵۷ و ۳۰/۰۶۲ می‌باشد. ضریب متغیری موهومی تصدی سازمان حسابرسی نیز ۵/۹۴۸ و معنی‌دار است که این نتیجه به نوبه خود از کارایی عملکرد سازمان حسابرسی حکایت می‌کند. همچنین ضریب اندازه شرکت و زیان ده بودن شرکت به ترتیب -۰/۴۶۱ و ۱/۰۰۲ معنی‌دار است. مثبت و معنی‌دار بودن ضریب دوره تصدی حسابرس (۰/۲۰۷) برخلاف انتظارات تئوریک است. سایر متغیرهای کنترلی رابطه معنی‌داری با استقلال حسابرس ندارند. لازم به ذکر است که آماره کای دو برابر با ۳۰۸/۵۹۱ و معنی‌دار است بیانگر اعتبار کلی مدل می‌باشد. همچنین درصد پیش‌بینی مدل ۸۲/۱ نشان دهنده صحت پیش‌بینی مدل است. ضریب تعیین کاکس اسنل نیز ۰/۲۴۳ می‌باشد.

1. Cox and Snell R-Square
2. Overall Percentage
3. Wald

نتیجه گیری

سازمان حسابرسی در سال ۱۳۶۶ به عنوان نهادی دولتی و تنها سازمان جهت انجام حسابرسی تأسیس شد. لیکن در سال ۱۳۸۰ با تشکیل جامعه حسابداران رسمی، به شرکت‌های خصوصی نیز مجوز ورود به بازار حسابرسی داده شد. به تدریج با گذشت زمان و افزایش حضور مؤسسات حسابرسی متعدد، رقابت در بازار حسابرسی افزایش یافت. هدف این تحقیق بررسی تأثیر افزایش رقابت در بازار حسابرسی بر استقلال حسابرس و کیفیت صورت‌های مالی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که افزایش رقابت در بازار حسابرسی منجر به کاهش استقلال حسابرس می‌شود. علاوه بر این افزایش رقابت در بازار حسابرسی کاهش کیفیت سود را به دنبال دارد. این نتیجه منطبق با "نظریه رقابت از دیدگاه هزینه تغییر دادن مشتری" است. چرا که بر اساس این نظریه چون ماهیت فعالیت مؤسسات حسابرسی به گونه‌ای است که مستلزم نوعی تعامل با صاحبکار است و قطع رابطه با یک صاحبکار و انعقاد قرارداد با صاحبکار جدید هزینه‌های بسیاری را به حسابرس تحمیل می‌کند، و از سوی دیگر افزایش رقابت در بازار حسابرسی، احتمال از دست دادن صاحبکار را افزایش می‌دهد، حسابرس به منظور تأمین رضایت و حفظ مشتری ممکن است استقلال خود را زیر پا گذاشته و اشتباهات و تقلب‌های موجود در صورت‌های مالی صاحبکار را نادیده انگارد. این امر به کاهش کیفیت صورت‌های مالی منتهی می‌گردد. این نتیجه منطبق با یافته‌های تحقیق نیوتن و همکاران (۲۰۱۳)، فرانسیس و همکاران (۲۰۱۳)، نیومن و ویلکنز (۲۰۱۲)، کالاپور و همکاران (۲۰۰۸)، هریس و دولمن (۲۰۰۸)، جنسن و پاین (۲۰۰۳) و اسماعیل زاده مقری و ترامشلو (۱۳۹۱) و برخلاف نتایج یانگ و همکاران (۲۰۰۱) می‌باشد. براساس نتایج حاصل شده مبنی بر احتمال کاهش استقلال حسابرس و کاهش کیفیت صورت‌های مالی پس از وقوع پدیده خصوصی سازی در بازار حسابرسی، به تدوین کنندگان مقررات بازار حسابرسی از جمله جامعه حسابداران رسمی و سازمان حسابرسی توصیه می‌شود تا با تشکیل کمیته‌هایی جهت بررسی دقیق عملکرد حسابرس جهت اطمینان از حفظ استقلال و کیفیت عملیات حسابرسی در راستای کاهش اثرات سوء این پدیده گام بردارند. افزون بر این به جامعه حسابداران رسمی و سازمان حسابرسی توصیه می‌گردد تا با وضع مقرراتی جهت کنترل حق الزحمه دریافتی حسابرسان و نیز محدود نمودن مدت تصدی آنان در شرکت صاحبکار احتمال مصالحه حسابرس و صاحبکار را تقلیل دهند.

منابع و مأخذ

۱. اسماعی زاده مقری، علی و ترامشلو، نصرت‌الله. (۱۳۹۱). "تأثیر رقابت بر سر حق الزحمه حسابرسی بر کیفیت حسابرسی و گزارشگری مالی". حسابدار رسمی، شماره ۳۰، ص ۷۹-۷۰.
۲. انصاری، عبدالمهدی، طالبی نجف آبادی، عبدالحسین و کمالی کرمانی، نرجس. (۱۳۹۰). "بررسی تأثیر اندازه شرکت صاحبکار، اندازه مؤسسه حسابرسی و میزان حق الزحمه غیر حسابرسی بر استقلال حسابرِس در شرایط ارائه همزمان خدمات حسابرسی و غیر حسابرسی از دیدگاه دانشگاهیان و تحلیلگران بورس اوراق بهادار"، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۱، ص ۴۳ ° ۲۰.
۳. بنی مهد، بهمن. (۱۳۹۰). "بررسی عوامل تأثیرگذار بر اظهارنظر مقبول حسابرِس"، فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۱۳، ص ۸۳-۵۹.
۴. بنی مهد، بهمن و مرادزاده فرد، مهدی و زینالی، مهدی. (۱۳۹۱). "اثر حق الزحمه حسابرسی بر اظهارنظر حسابرِس"، حسابداری مدیریت، شماره ۱۵، ص ۵۴-۴۱.
۵. حساس یگانه، یحیی و بولو، قاسم و فرخی نژاد، فاطمه. (۱۳۸۹). "رابطه بین اقلام تعهدی اختیاری و گزارش حسابرِس". دانش حسابرسی، سال دهم. شماره ۳، ص ۲۲-۶.
۶. سجادی، سید حسین و ابراهیمی مند، مهدی. (۱۳۸۸). "عوامل کاهنده استقلال حسابرِس مستقل". پیشرفت‌های حسابداری، دوره اول، شماره ۱، پیاپی ۵۷/۳، ص ۱۱۲-۹۵.
۷. سجادی، سیدحسین و ابراهیمی مند، مهدی. (۱۳۸۴). "عوامل افزاینده استقلال حسابرِس مستقل"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۰، ص ۸۰-۶۱.
۸. خداداد کاشی، فرهاد. (۱۳۸۸). "دیدگاه‌های مختلف درمورد مفهوم و نظریه رقابت و تطبیق آن با وضعیت رقابت در بخش صنعت ایران"، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۵۱، ص ۴۰ ° ۲۵.
۹. نیکبخت، محمدرضا و مهربانی، حسین. (۱۳۸۵). "بررسی اثر خدمات و میزان حق الزحمه‌های غیر حسابرسی مؤسسات حسابرسی بر استقلال حسابرِس"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۴، ص ۱۴۷-۱۲۹.
10. Chambers, D. and J. Payne. (2011). "Audit Quality and Accrual Persistence: Evidence from the Pre- and Post-Sarbanes-Oxley Periods". Managerial Auditing Journal. 26(5). pp.437- 456.

11. Chaney, Paul, Debra C. Jeter, and Pamela Erickson Shaw. (2003). "The impact on the market for audit services of aggressive competition by auditors". *Journal of Accounting and Public Policy*. 22(6). pp 487-516.
12. Francis, J. P. Michas. and S. Seavey. (2013). "Does Audit Market Concentration Harm the Quality of Audited Earnings? Evidence from Audit Markets in 42 Countries". *Contemporary Accounting Research*. 30(1). pp 325-379.
13. Gehrig, T., Stenbacka, R., (2005). "Two at the top: quality differentiation in markets with switching costs". Centre for Industrial Economics. Discussion Paper 2005-09.
14. Harris, D. and S. Duellman. (2008). "Auditor competition and Auditor Independence: The Quality of Financial Statements". area2.bwl.uni-mannheim.de
15. ICAEW. (2005). "Audit Quality, Agency theory and the role of audit". Audit and assurance faculty. Institute of Chartered Accountants.
16. Jensen, K. and J. Payne. (2003). "Audit Pricing and Audit Quality: The Influence of the Introduction of Price Competition". www.ssrn.com.
17. Kallapur, S., S. Sankaraguruswamy, and Y. Zang. (2008). "Audit Market Competition and Audit Quality". www.ssrn.com
18. Klimentchenko, D. (2009). "Myth of Auditor Independence". *University of Illinois Law Review*. Vol 2009(4). pp 1275-1300.
19. Klemperer, P. (1995). "Competition when customers have switching costs: an overview with applications to industrial organization, macroeconomics, and international trade". *Review of Economic Studies*. 62. pp 515-539.
20. Numan, W. and M. Willekens. (2012). "Competitive pressure, audit quality and industry specialization". www.ou.edu
21. Newton, N., D. Wang. and M. Wilkins. (2013). "Does a Lack of Choice Lead to Lower Quality? Evidence from Auditor Competition and Client Restatements" *Auditing: A Journal of Practice & Theory*. 32(3). pp 1-52
22. Sharpe, S. (1997). "The effect of customer switching costs of prices: a theory and its application to the bank deposit market". *Review of Industrial Organization*. 12. pp 79-94.
23. Yang, L., Q. Tang, A Kilgore, and J.Y Hong. (2001). "Auditor-Government Associations and Auditor Independence In China". *British Accounting Review*. 33. pp 175-189.